«گونه‌شناسی آیات نظیر در تفسیر المیزان با محوریت موضوع شفاعت در سوره البقره»

آذردخت شمس‌اشراق[1]
سیدمهدی سیدخاموشی[2]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۲/۱۴ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۶/۱۶)

چکیده

از میان آیات قرآن کریم، که سراسر روشنایی و نورند، برخی ازآنها به صورت چشمگیری شاخص بوده و موجب روشنگری آیات دیگر شده و می‌توانند «نظیر آیات» دیگر شوند. شناخت این گونه از آیات تنها از طریق بهره بردن از تفسیر قرآن به قرآن است. در این میان تفسیر المیزان که یکی از کارآمدترین تفاسیر عصر حاضر است، توانسته با استفاده از روش تفسیری «قرآن به قرآن» و استخراج مقاصد الهی با استناد به آیات نظیر، تا حدود زیادی به روشنگری مبهمات برخی از آیات بپردازد. این پژوهش بر اساس روش توصیفی ـ تحلیلی، پس از طرح نظایر آیات در تفسیر المیزان و تقسیم بندی انواع نظایر اعم از لفظی و معنوی همراه با نمونه‌ها، به طور موردی به بررسی گونه‌هایی از آیات نظیر در موضوع «شفاعت» با محوریت سوره مبارکه بقره در تفسیر المیزان، پرداخته و این آیات را به صورت موضوعی دسته‌بندی نموده و گونه‌های نظایر لفظی و معنوی آنها را مشخص و دسته‌بندی کرده و ذیل آیات مطرح شده، آورده است. عدم توجه برخی از مفسران به نظایرآیات درموضوع شفاعت سبب گردیده که اصل شفاعت را نفی کنند یا فقط برای خداوند بدانند ولاغیر. از این رو در خاتمه نظرات برخی از مفسران و علماء را از دیگر تفاسیر، پیرامون موضوع شفاعت مطرح کرده و از این رهگذر به اعتبار سنجی نظایر آیات با موضوع شفاعت، و با توجه به نظرات علامه و نظرات دیگر مفسران پرداخته‌ایم.

کلید واژه‌ها: *تفسیر المیزان، آیات نظیر، شفاعت، نظایر لفظی، نظایر معنوی، اعتبارسنجی.*

---

۱. دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۲. استادیار دانشگاه شهید مطهری (نویسنده مسئول)؛ info@motahari.ac.ir

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

۱ـ مقدمه

قرآن‌کریم متقن‌ترین و معتبرترین سند جاودانه اسلام است. روش تفسیر قرآن به قرآن یکی از روش های کارآمد و برجسته قرآن کریم است که از صدر اسلام و زمان حیات پیامبر اکرم(ص) مورد توجه مفسران و علمای گرانقدر قرار گرفته است، چنانکه برخی مفسران و پژوهشگران روش تفسیری، این روش را بهترین و کارآمدترین روش تفسیری قرآن کریم معرفی کرده‌اند. در این روش آیات قرآن کریم با استعانت از آیات دیگر توضیح داده شده و مقصود آن‌ها مشخص می‌گردد. (زنجانی، ۳۶۱) آیت الله جوادی آملی در این رابطه می‌نویسد: «بهترین راه برای فهم یک متن مقدس دینی، تدبر تام در همان متن است». (جوادی آملی، ۶۱). «قرآن به قرآن بودن به معنای مقابله آیات با یکدیگر و شاهد یکدیگر قرار گرفتن است. به عبارتی آیات قرآن را به کمک یا به وسیله آیات دیگر توضیح دادن و مقصود آنها را مشخص ساختن است» (رضایی اصفهانی، ۱۴۴). در این میان تفسیرالمیزان با بهره‌گیری از "روش تفسیری قرآن به قرآن"، توانسته است یکی از بهترین تفاسیر را به جهان اسلام عرضه نماید. توجه به آیات همگون و نظیر در تفسیر المیزان یکی از ویژگی های برجسته آن می‌باشد. علامه حسینی تهرانی می‌نویسد: «المیزان یکی از بهترین تفاسیری است که تا کنون به رشته تحریر در آمده است و در جامعیت منحصر بفرد است». (طهرانی، ۶۸) علامه طباطبایی در مقدمه تفسیر المیزان می‌نویسد: "**ان نفسرالقرآن بالقرآن و نستوضح معنی الآیة من نظیرتها بالتدبیر المندوب الیه فی نفس القرآن**" «قرآن را به کمک قرآن تفسیر می‌کنیم و معنای آیه را با استفاده از آیه نظیرش، به وسیله تدبر سفارش شده در خود قرآن طلب وضوح می‌کنیم.» (طباطبائی، ۱۱/۱). بنابراین شناخت ملاک‌ها و معیارهای انتخاب آیات نظیر و اعتبار سنجی آن ها در تفسیر المیزان، موجب فهم بهتر آیات می‌گردد از مهمترین اهداف این تحقیق، تلاش برای رسیدن به این مطلب است که در سایهٔ پیروی از روش تفسیری قرآن به قرآن، و با بهره‌گیری از آیات

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

نظیر، می‌توان تا حدود زیادی به معنا و مفهوم حقیقی آیات پی برد. این پژوهش سعی دارد با واکاوی و بررسی آیات نظیر و همچنین شناخت انواع نظایر در موضوع «شفاعت» و معیار به کارگیری آنها، بتواند در فهم بهتر و کامل‌تر مفاهیم مربوط به شفاعت و شناخت موارد آن، راه گشا باشد. و به دنبال روشنگری این مطلب است. به‌طور مثال در موضوع شفاعت، نظایر این آیات و مصادیق آن را شناخت و ارتباط گونه‌های لفظی و معنایی آنها را شناسایی نموده و از این رهگذر پاسخ برخی از شبهات پیرامون موضوع شفاعت را در یافت. همچنین آیاتی دیگر را که قید اذن و رضایت الهی را شرط در شفاعت غیر خدا دانسته‌اند، را مشخص وشفاف سازی می‌کند. در این نوشتارنیز سعی بر آن است که با توجه به این آیات کلیدی و شاخص که سبب روشنگری و تبیین برخی ازآیات دیگر می‌شوند، پرده از برخی مبهمات برداریم. بنابراین ابتدا توضیحاتی در ارتباط با واژه نظیر و انواع نظایر اعم از لفظی و معنایی ذکر نموده، سپس آیاتی به عنوان نمونه برای هر کدام آورده و در نهایت آیات مربوط به موضوع شفاعت را با محوریت سوره بقره در تفسیر المیزان، ذیل این تقسیم‌بندی آورده و پیرامون گونه ها و موضوعات آن بحث می‌کنیم. حال پرسش اصلی این پژوهش این است که با بررسی و شناخت انواع نظایر لفظی و معنوی آیات مربوط به موضوع شفاعت، تا چه میزان می‌توان به شبهات مطرح شده پیرامون این موضوع پاسخ داد.[۱]

---

۱. توجه به آیات نظیر به عنوان اولین منبعی که باید مورد توجه مفسر قرارگیرد از دیرباز مطرح بوده است. (ذهبی، ۲۷۳/۱) چنانکه از صدر اسلام و زمان پیامبراکرم(ص) توجه به روش تفسیری ارزشمند قرآن به قرآن وجود داشته است و در قرون بعدی نیز علمای گرانقدری چون شیخ طوسی(۴۶۰ ق)، طبرسی (۵۴۸ ق) و اخیرا فیلسوف و دانشمند برجسته، علامه طباطبایی(ره)، آیت الله جوادی آملی و آیت الله محمد صادقی تهرانی از این روش بهره زیادی برده‌اند. همچنین در ارتباط با روش تفسیری قرآن به قرآن مقالات و نوشته های بسیاری وجود دارد. اما در ارتباط با یافتن ملاک های آیات نظیر و معیار بکار گیری این آیات در روش تفسیری قرآن به قرآن، کتاب یا مقالات زیادی وجود ندارد و در این رابطه دو کتاب با عناوین «گفتارهایی در باب قرآن، فقه و فلسفه» و «شروط و آداب تفسیر و مفسر» که توسط دکتر مهدی ایزدی نوشته شده است، به چاپ رسیده است. همچنین مقاله‌ای از عباس مصلایی‌پور در چگونگی یافتن آیات نظیر چاپ شده است.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

۲ـ نظیر در لغت و اصطلاح

واژه «نظیر» و جمع آن «نظایر»، به معنای مثل و مانند است. به گفته خلیل بن احمد فراهیدی از آن جهت به مثل و مانند نظیر گفته می‌شود که وقتی به آن دو نظر انداخته می‌شود گویی این دو در نظر یکسان هستند. (فراهیدی، ۱۵۶/۸). واژه نظیر آیات در اصطلاح مفسران چنان که در این نوشتار به آن اشاره خواهیم نمود به آیاتی گفته می‌شود که از جهت مفهوم و معنا به یکدیگر نزدیک باشند.

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان نظایر را به لفظی و معنوی تقسیم کرد که هر کدام دارای زیر فصل‌هایی نیز می‌باشند.

۲ـ۱. نظایر لفظی

گاهی دو یاچند آیه از جهت مفهوم نظیر یکدیگرند در حالی که الفاظ یا عبارت‌های مشترکی هم میان آنها مشاهده می‌شود، مانند آیات ۹۴ و ۹۵ سوره بقره که این دو آیه را نظیر آیات ۶ و ۷ سوره جمعه می‌دانند:

«قُل إِن كانَت لَكُمُ الدّارُ الآخِرَةُ عِندَ اللَّهِ خالِصَةً مِن دُونِ النّاسِ فَتَمَنَّوُا المَوتَ إِن كُنتُم صادِقِينَ» «وَ لَن يَتَمَنَّوهُ أَبَداً بِما قَدَّمَت أَيديهِم وَ اللَّهُ عَليمٌ بِالظّالِمينَ»

بگو: «اگر در نزد خدا، سرای بازپسین یکسر به شما اختصاص دارد، نه دیگر مردم، پس اگر راست می‌گویید آرزوی مرگ کنید.» «ولی به سبب کارهایی که از پیش کرده‌اند، هرگز آن را آرزو نخواهند کرد. و خدا به [حال] ستمگران داناست».

«قُل يا أَيُّهَا الَّذينَ هادُوا إِن زَعَمتُم أَنَّكُم أَولِياءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النّاسِ فَتَمَنَّوُا المَوتَ إِن كُنتُم صادِقِينَ» «وَ لا يَتَمَنَّونَهُ أَبَداً بِما قَدَّمَت أَيديهِم وَ اللَّهُ عَليمٌ بِالظّالِمينَ»

بگو: «ای کسانی که یهودی شده‌اید، اگر پندارید که شما دوستان خدایید نه مردم دیگر، پس اگر راست می‌گویید درخواست مرگ کنید.» «و هرگز آن را به سبب آنچه از پیش به دست خویش کرده‌اند، آرزو نخواهند کرد، و خدا به [حال] ستمگران داناست.»

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

آیات فوق در الفاظ و عبارت‌هایی مشترک و از نظر مفهوم و مصداق نیز نظیر یکدیگرند. در این نوشتار ابتدا به تقسیم‌بندی انواع نظایر لفظی مانند نمونه‌ای که ذکر شد که اشتراک دو آیه در عبارتهایی مشترک بود، می‌پردازیم:

- اشتراک دو آیه در چهار لفظ مشترک
- اشتراک دو آیه در سه لفظ مشترک
- اشتراک دو آیه در دو لفظ مشترک
- اشتراک دو آیه در یک لفظ مشترک (یکسان بودن مصداق)
- اشتراک دو آیه در یک لفظ مشترک (یکسان نبودن مصداق)
- اشتراک دو آیه در یک ماده مشترک
- اشتراک دو آیه در یک عبارت

۲ـ۲. نظایر معنوی

گاه دو یا چند آیه از جهت مفهوم نظیر یکدیگر هستند در حالی که الفاظ مشترکی میان آنها مشاهده نمی شود. مفسر در این موارد باید در ارتباط با آیات قرآن کریم، آن چنان اشراف و حضور ذهن داشته باشد تا بتواند به میزان وسع و تکلیف، تمامی آیاتی را که در این زمینه نظر دارند، نفیاً و اثباتاً جمع آوری کرده و محتوای آیات را مورد توجه قرار دهد (مصلایی‌پور یزدی، ۳۱). نظایر معنوی نیز به سه قسم تقسیم می‌شود:

۲ـ۲ـ۱. یکسان بودن مفهوم

منظور از یکسان بودن مفهوم این است که گاه دو یا چند آیه از جهت مفهوم نظیر یکدیگر هستند در حالی که الفاظ مشترکی میان آنها مشاهده نمی‌شود. در این موارد مفسر باید همانند موارد قبلی درباره آیات قرآن کریم حضور ذهن داشته و به مقدار وسع و تکلف خود همه آیاتی که در این زمینه نظر دارند به نفی یا به اثبات گردآوری کند و محتوای آیات را مورد توجه قرار دهد. به نمونه‌ای از این‌گونه نظایر معنوی که مصادیق یکسانی ندارند و تنها از جهت مفهوم همانند یکدیگرند اشاره می‌شود:

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

به گفته سیدعلی‌اکبر قرشی (۴۲۶/۴) آیه زیر حاکی از نفرین حضرت موسی (ع) بعد از مایوس شدن نسبت به فرعون و قوم اوست.

«رَبَّنَا اطمِس عَلَى أَموَالِهِم وَاشدُد عَلَى قُلُوبِهِم فَلَا يُؤمِنُوا حَتَّى يَرَوُا العَذَابَ الأَلِيمَ» (یونس، ۸۸)

بار خدایا، اموال آنها را نابود گردان و دلهایشان را سخت بربند که ایمان نیاورند تا هنگامی که عذاب دردناک را مشاهده کنند.

نظیر نفرین نوح نسبت به قوم خود است:

«وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَر عَلَى الأَرضِ مِنَ الكَافِرِينَ دَيَّارًا» (نوح، ۲۶)

و نوح عرض کرد: پروردگارا از این کافران دیّاری بر روی زمین باقی مگذار.

این دو آیه از جهت مفهوم نظیر یکدیگرند اما مصداق هرکدام جداگانه است و این درحالی است که الفاظ مشترکی هم میان آن‌ها مشاهده نمی‌شود.

۲ـ۲ـ۲. یکسان بودن مصداق

یکسان بودن مصداق نیز یکی دیگر از انواع نظایر معنوی است. گاه دو یا چند آیه تنها از جهت مصداق، نظیر یکدیگرند در حالی که الفاظ مشترکی میان آنها دیده نمی شود. مورد زیر (آیات نساء، ۱۰۴ و آل‌عمران، ۱۴۰) نمونه‌ای از نظایر معنوی آیات همراه با یکسان بودن مصداق است:

«وَ لا تَهِنُوا فِي ابتِغَاءِ القَومِ إِن تَكُونُوا تَألَمُونَ فَإِنَّهُم يَألَمُونَ كَما تَألَمُونَ وَ تَرجُونَ مِنَ اللَّهِ ما لا يَرجُونَ وَ كانَ اللَّهُ عَلِيماً حَكِيماً» «و در تعقیبِ گروه [دشمنان] سستی نورزید. اگر شما درد می‌کشید، آنان [نیز] همان‌گونه که شما درد می‌کشید، درد می‌کشند، و حال آنکه شما چیزهایی از خدا امید دارید که آن‌ها امید ندارند، و خدا همواره دانای سنجیده کار است.»

«إِن يَمسَسكُم قَرحٌ فَقَد مَسَّ القَومَ قَرحٌ مِثلُهُ وَ تِلكَ الأَيَّامُ نُداوِلُها بَينَ النَّاسِ وَ لِيَعلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُواوَ يَتَّخِذَ مِنكُم شُهَداءَ وَ اللَّهُ لا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ»

«اگر به شما آسیبی رسیده، آن قوم را نیز آسیبی نظیر آن رسید و ما این روزها [ی

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

شکست و پیروزی] را میان مردم به نوبت می‌گردانیم [تا آنان پند گیرند] و خداوند کسانی را که [واقعاً] ایمان آورده‌اند معلوم بدارد، و از میان شما گواهانی بگیرد، و خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد.»

۲ـ۲ـ۳. ترکیب

گاه دو یا چند آیه از جهت نوع ترکیب به کار رفته نظیر یکدیگر هستند حال ممکن است از جهت مصداق هم نظیر یکدیگر باشند یا نباشند:

(ابن عاشورا ۴۴۹/۳۰ـ۴۴۸) سه آیه نخست سوره قارعه:

«**القَارِعَةُ مَا القَارِعَةُ وَمَا أَدرَاکَ مَا القَارِعَةُ**»

«قارعه چیست قارعه؟ و تو چه، دانی که قارعه چیست؟»

را از جهت ترکیب نظیر یه آیه نخست سوره حاقه می‌داند.

«**الحَاقّةُ مَا الحَاقّةُ وَمَا أَدرَاکَ مَا الحَاقّةُ**»

«آن روز بر حق چیست آن روز بر حق؟ و چه دانی که آن روز بر حق، چیست؟»

*****

در ادامه، ابتدا به صورت موردی، موضوع شفاعت را با محوریت سوره بقره در تفسیر المیزان مشخص نموده، سپس آن‌ها را دسته‌بندی و مباحث مربوط به آن را از تفسیر المیزان مورد بحث قرار داده و گونه‌های نظایر لفظی و معنوی آن‌ها را مشخص و مورد بررسی قرار می‌دهیم و ملاک کاربرد آیات نظیر آن ها را که در تفسیر شریف‌المیزان توسط علامه طباطبائی(ره) ذکر شده، بررسی نموده و در نهایت به اعتبار سنجی آنها می‌پردازیم.

۳ـ مفهوم لغوی و اصطلاحی شفاعت

اصل ماده شَفَعَ، به معنی زوج و جفت است، در مقابل وتر (طریحی، ۳۵۳/۴؛ احمد بن فارس، ۲۰۱/۳؛ راغب اصفهانی، ۲۶۳؛ فیروزآبادی، ۴۵/۳) یا به عبارتی پیوست و ضمیمه

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

شدن چیزی به مانند او می‌باشد (ابن‌منظور، ۷ /۱۵۱) پس شافع کسی است که برای انجام هدفی، ضمیمه غیر خود می‌شود و او را که تاق است جفت می‌سازد (ابن اثیر،۷۱۵/۲).

راغب، شفع را، پیوستن و ضمیمه شدن چیزی در کنار مانندش می‌داند و در توضیح مفهوم شفاعت می‌گوید: شفاعت آن است که یک چیزی را براساس درخواست چیز دوم برای کمکش به آن بیفزاییم و بیشترین کاربرد شفاعت، همان پیوستن و انضمام به کسی که از نظر حرمت و مقام، بالاتر از کسی است که مادون اوست که مورد شفاعت قرار می‌گیرد (راغب اصفهانی، ۲۶۳). از مجموع آنچه که واژه شناسان عرب گفته‌اند، چنین استفاده می‌شود که، شفاعت به معنای انضمام و پیوستن انسانی یا عملی به شخصی برای رسیدن به مقصود و خواسته او می‌باشد. (علم‌الهدی، ۳۹/۱).

اما در اصطلاح نیز برای شفاعت معانی گوناگونی آورده شده است، همچون ظهور هر تأثیر خیری در انسان توسط شخص دیگر (مصباح یزدی، ۱۶۹/۳) یا به عبارتی دیگر کسی برای دیگری طلب بخشش نماید، و رفع نیاز او را بخواهد (فخررازی، ۵۵/۳). همچنین با توجه به کاربرد آن در شماری از آیات قرآن، در اصطلاح دینی آن، "شفاعت" همان درخواست عفو برای گنهکاران، توسط شفیعانی است که خداوند به آنها اجازه دهد و مقرب درگاه او باشند. این مفهوم، از جمله مفاهیمی است که در ادیان توحیدی و به خصوص دین اسلام بدان پرداخته شده است، که در این میان نگرش های مختلفی نسبت به این مفهوم دیده می‌شود و گروهی آن را پذیرفته و عده‌ای دیگر آن را باطل و مردود می‌شمارند. با توجه به این مسأله در این مقال با تبیین نظر علامه طباطبایی، از بزرگترین مفسران شیعه، به روشنگری زوایای این مفهوم می‌پردازیم. مسأله شفاعت، یکی از مسائل مهم دینی و اعتقادی است، تا آنجا که در برخی از سخنان امامان معصوم، اعتقاد به شفاعت، از پایه‌های ایمان و منکران، از ایمان محروم و بی‌بهره معرفی شده است (مجلسی، ۳۷/۸). براساس دیدگاه علامه طباطبایی شفاعت در اصطلاح به این معناست که، شخصی که متوسل به شفیع می‌شود، نیروی خودش به تنهایی برای رسیدن به هدف کافی نیست، لذا نیروی خود را با نیروی شفیع گره

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

می‌زند و در نتیجه آن را دو چندان نموده، به آنچه می‌خواهد نائل می‌شود، به طوری که اگر این کار را نمی کرد و تنها نیروی خود را به کار می‌زد، به مقصود خود نمی‌رسید، چون نیروی خودش به تنهایی ناقص و ضعیف و کوتاه بود (طباطبائی۱۵۷/۱).

۳ـ۱. آیاتی که شفاعت را نفی می‌کنند

«وَاتّقُوا یَومًا لَا تَجزِی نَفسٌ عَن نَفسٍ شَیئًا وَلَا یُقبَلُ مِنهَا شَفَاعَةٌ وَلَا یُؤخَذُ مِنهَا عَدلٌ وَلَا هُم یُنصَرُونَ» (البقره، ۴۸)

و بترسید از روزی که هیچ‌کس چیزی [از عذاب خدا] را از کسی دفع نمی کند؛ و نه از او شفاعتی پذیرفته، و نه به جای وی بدلی گرفته می‌شود؛ و نه یاری خواهند شد.

«وَاتّقُوا یَوماً لاّ تَجزِی نَفسٌ عَن نّفسٍ شَیئاً وَلاَ یُقبَلُ مِنهَا عَدلٌ وَلاَ تَنفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلاَ هُم یُنصَرُونَ» (البقره، ۱۲۳)

و بترسید از روزی که هیچ کس چیزی [از عذاب خدا] را از کسی دفع نمی‌کند، و نه بدل و بلاگردانی از وی پذیرفته شود، و نه او را میانجیگری سودمند افتد، و نه یاری شوند.

«إِذ تَبَرّأَ الّذِینَ اتُّبِعُوا مِنَ الّذِینَ اتّبَعُوا وَرَأَوُا العَذَابَ وَتَقَطّعَت بِهِمُ الأَسبَابُ» (البقره، ۱۶۶)

آنگاه که پیشوایان از پیروان بیزاری جویند؛ و عذاب را مشاهده کنند، و میانشان پیوندها بریده گردد.

«یَا أَیُّهَا الّذِینَ آمَنُوا أَنفِقُوا مِمّا رَزَقنَاکُم مِن قَبلِ أَن یَأتِیَ یَومٌ لَا بَیعٌ فِیهِ وَلَا خُلّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالکَافِرُونَ هُمُ الظّالِمُونَ» (البقره، ۲۵۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید، پیش از آنکه روزی فرارسد که در آن نه داد و ستدی است و نه دوستی و نه شفاعتی. و کافران خود ستمکارانند.

«وَأَنذِرهُم یَومَ الآزِفَةِ إِذِ القُلُوبُ لَدَی الحَنَاجِرِ کَاظِمِینَ مَا لِلظّالِمِینَ مِن حَمِیمٍ وَلَا شَفِیعٍ یُطَاعُ» (غافر، ۱۸)

و آن‌ها را از آن روز قریب[الوقوع] بترسان، آنگاه که جان‌ها به گلوگاه می‌رسد در

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

حالی که اندوه خود را فرو می خورند. برای ستمگران نه یاری است و نه شفاعت‌گری که مورد اطاعت باشد.

«يَومَ تُوَلُّونَ مُدبِرِينَ مَا لَكُم مِنَ اللّهِ مِن عَاصِمٍ وَمَن يُضلِلِ اللّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ» (غافر، ۳۳)

روزی که پشت‌کنان [به عنف] بازمی گردید، برای شما در برابر خدا هیچ حمایت‌گری نیست؛ و هر که را خدا گمراه کند او را راهبری نیست.

«فَمَا لَنَا مِن شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ» (الشعرا، ۱۰۰ و ۱۰۱)

در نتیجه شفاعت گرانی نداریم، و نه دوستی نزدیک.

«مَا لَكُم لَا تَنَاصَرُونَ بَل هُمُ اليَومَ مُستَسلِمُونَ» (الصافات، ۲۵ و ۲۶)

شما را چه شده است که همدیگر را یاری نمی‌کنید؟! [نه!] بلکه امروز آنان از در تسلیم درآمدگانند!

«وَلَقَد جِئتُمُونَا فُرَادَى كَمَا خَلَقنَاكُم أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكتُم مَا خَوَّلنَاكُم وَرَاءَ ظُهُورِكُم وَمَا نَرَى مَعَكُم شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمتُم أَنَّهُم فِيكُم شُرَكَاءُ لَقَد تَقَطَّعَ بَينَكُم وَضَلَّ عَنكُم مَا كُنتُم تَزعُمُونَ» (الانعام، ۹۴)

و همان‌گونه که شما را نخستین بار آفریدیم [اکنون نیز] تنها به سوی ما آمده‌اید، و آنچه را به شما عطا کرده بودیم پشت سر خود نهاده‌اید، و شفیعانی را که در [کار] خودتان، شریکان [خدا] می پنداشتید با شما نمی بینیم. به یقین، پیوند میان شما بریده شده، و آنچه را که می‌پنداشتید از دست شما رفته است.

«هُنَالِکَ تَبلُو كُلُّ نَفسٍ مَا أَسلَفَت وَرُدُّوا إِلَى اللّهِ مَولَاهُمُ الحَقِّ وَضَلَّ عَنهُم مَا كَانُوا يَفتَرُونَ» (یونس، ۳۰)

آنجاست که هر کسی آنچه را از پیش فرستاده است می آزماید، و به سوی خدا مولای حقیقی خود بازگردانیده می‌شوند، و آنچه به دروغ برمی‌ساخته‌اند از دستشان به در می‌رود.

وجود برخی آیات، که خداوند در آن شفاعت را به طور کلی نفی می‌کند، سبب شده است تا گروهی با تمسک به این آیات و دستاویز قرار دادن آنها وجود اصل شفاعت را در

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

قیامت رد نموده و آن را مردود بدانند یا دچار شبهه و سردرگمی شوند که برای رد این شبهه باید گفت که این آیات، از نظر بسیاری از مفسران عمدتاً ناظر به نفی شفاعت ادعا شده از سوی بت‌پرستان و مشرکان و یهودیان است (زمخشری، ۱۳۶/۱؛ طبرسی، ۲۲۳/۱؛ آلوسی، ۲۵۳/۱؛ طوسی، ۲۱۳/۱) و خداوند رد شفاعت را در بعضی از آیات، در جواب کسانی داده است که تلقی شان از شفاعت، به کارگیری زر و زور و واسطه‌گری برای رهایی از عذاب و عقاب الهی است.

بر این اساس خداوند به طور مطلق شفاعت را نفی نمی‌کند، بلکه می‌فرماید که شفاعت، برای گروهی از آدمیان نفع و فایده‌ای ندارد و بهره‌مند نشدن این گروه، به خاطر آن است که ایشان صلاحیت اصلی شفاعت که رضای الهی باشد را احراز ننموده‌اند و شرایط لازم برای این مرحمت را ندارند، همچنان که قرآن کریم در این باره می‌فرماید که، مشرکان تصور می‌کنند که بت‌هایشان در قیامت شفیع آنها خواهند شد، در حالی که این‌گونه نیست: «**وَ یَعبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ ما لا یَضُرُّهُم وَ لا یَنفَعُهُم وَ یَقُولُونَ هؤُلاءِ شُفَعاؤُنا عِندَ اللَّه قُل أَ تُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِما لا یَعلَمُ فِی السَّماواتِ وَ لا فِی الأَرضِ سُبحانَهُ وَ تَعالی عَمَّا یُشرِکُون**» (یونس، ۱۸)

همچنین برای پاسخ به این شبهه، ذکر این موضوع نیز حائز اهمیت است که، قبل از هر چیز دقت و تأمل در یک نکته تفسیری برای کسانی که بخواهند برای درک مطلبی، از آیات قرآن استفاده کنند، ضروری است و آن عبارت است از این‌که برای تفسیر آیه‌ای از آیات قرآن، باید آن را با آیات دیگر قرآن (نظیر آن)، در نظر گرفت و مقایسه کرد و نتیجه و تفسیری که از آن استنباط می‌شود، می‌بایست با توجّه به تمام آیات مربوطه ی مورد بحث باشد؛ چرا که آیات دیگر قرآن می‌توانند مفسر و مبین و قرینه مفاد همان آیه مورد بحث باشند؛ چنان‌که امام علی (ع) که خود بالاترین مفسر قرآن است می‌فرماید: «ان کتاب الله یصدّق بعضُهُ بعضاً» «قرآن برخی، برخی دیگر را تصدیق می‌کند.» (طبرسی ۲۵۹/۱) همچنین آن حضرت می‌فرماید: «در کتاب خدا بعضی به کمک بعضی سخن می‌گویند و برخی از آن، بر برخی گواهی می‌دهد.» (عبده، ۲۳/۲).

بنابراین برای کسی که می خواهد در مورد موضوعی از قرآن، تحقیق و تفحص کند تا

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

مطلبی را بفهمد و معنا و تفسیر کند، بسیار دور از اسلوب و روش برداشت صحیح از قرآن است که از میان مثلاً این همه آیات مربوط به شفاعت به یک آیه تمسک کند و برای اثبات مدعای خویش توسط آن استدلال کند و از آیات دیگر در این زمینه چشم پوشی کرده و تغافل بورزد، زیرا ابهام و اجمال برخی از آیات به وسیله آیات دیگر، برطرف می گردد. علامه طباطبایی، در مورد این سری از آیات می‌فرماید: «بعضی از این آیات دلالت دارد که شفاعت، مخصوص خداست و بعضی دیگر مقام شفاعت را به غیر خدا یعنی کسانی که به اذن و رضایت او شفاعت کنند تعمیم داده است و در هر حال اصل موضوع را بدون اشکال ثابت می‌کند، منتها در بعضی، آن را به عنوان اصالت مخصوص خداوند معرفی کرده، و در پاره ای در مورد غیر خدا با اجازه و رضایت او نیز اثبات نموده است و از طرفی، موضوع شفاعت در عدّه‌ای از آیات نفی شده، بنابراین نسبت این دو دسته از آیات (آیات نفی‌کننده و اثبات کننده) به یک دیگر، مانند آیات نفی کننده علم غیب است از غیر خدا، نسبت به آیاتی که علم غیبت را به عنوان اصلی برای خدا و به رضایت او برای غیر خدا ثابت می‌کند. لذا آیاتی که شفاعت را انکار می‌کنند، اگر بگوییم ناظر به شفاعت در روز قیامت است، شفاعت به طور استقلال را نفی می‌کند و آیاتی که آن را اثبات می‌کند، نخست اصالت در آن را برای خدا اثبات می‌کند و برای غیر خدا، به شرط اذن و تملیک خدا اثبات می‌نماید، پس شفاعت برای غیر خدا به اذن خدا ثابت است». (طباطبائی، ۱۵۷/۱).

... (پس) «منظور از آیات نفی کننده شفاعت این است که کسی به عنوان استقلال چنین حقی را ندارد و منظور از آیات اثبات کننده شفاعت این است که اصلاً و ذاتاً شفاعت برای خداست و برای غیر خدا با اذن و تملیک اوست یعنی این مقام ممکن است برای غیر باشد امّا با اذن و اجازه او». (همان ۱۵۸/۱ و ۱۵۹)

در این قسمت به پیوست، جدول بررسی آیات فوق از جهت لفظی و معنایی و انواع آن می‌پردازیم:

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

بررسی نظایر آیات در موضوع شفاعت از تفسیر المیزان

نظایر لفظی	اشتراک دو آیه درهمه الفاظ به جز یک لفظ«یؤخذ» و «تنفعها»	۴۸ البقره	۱۲۳ البقره
نظایر معنوی	یکسان بودن مفهوم	۲۵۴ البقره	۱۸ غافر
نظایر معنوی	یکسان بودن مفهوم	۱۶۶ البقره	۲۵۴ البقره و ۱۸غافر
نظایر معنوی	یکسان بودن مصداق	۱۸ غافر	۳۳ غافر و ۱۰۱/۱۰۰ الشعراء
نظایر لفظی	اشتراک در یک ماده مشترک «شفع»	۱۸ غافر	۱۰۰و۱۰۱ الشعراء
نظایر معنوی	یکسان بودن مفهوم	۹۴ الانعام	۱۰۰ و۱۰۱ الشعرا
نظایر معنوی	یکسان بودن مفهوم	۹۴ الانعام	۱۶۶ بالقره
نظایر لفظی	اشتراک در یک ماده مشترک «قطع»	۹۴ الانعام	۱۶۶ البقره
نظایر لفظی	اشتراک دو آیه دردو لفظ «وضلّ» و «ما»	۳۰ یونس	۹۴ الانعام
نظایر معنوی	یکسان بودن مفهوم	۳۰ یونس	۹۴ الانعام و ۳۳غافر
نظایر لفظی	اشتراک در یک ماده مشترک «شفع»	۹۴ الانعام	۱۰۰ الشعراء
نظایر لفظی	اشتراک سه آیه در لفظ «شفاعه»	۴۸ البقره	۱۲۳/۲۵۴ البقره

۳ـ۱ـ۱. نظایر لفظی

۳ـ۱ـ۲. اشتراک دو آیه درهمه الفاظ به جز یک لفظ، «یؤخذ» و «تنفعها»

آیه ۴۸ سوره «البقره» «وَاتّقُوا یَومًا لَا تَجزِی نَفسٌ عَن نَفسٍ شَیئًا وَلَایُقبَلُ مِنهَا شَفَاعَةٌ وَلَا یُؤخَذُ مِنهَا عَدلٌ وَلَا هُم یُنصَرُونَ» با آیه ۱۲۳ «البقره» «وَاتّقُوا یَوماً لاّ تَجزِی نَفسٌ عَن نّفسٍ شَیئاً وَلاَ یُقبَلُ مِنهَا عَدلٌ وَلاَ تَنفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلاَ هُم یُنصَرُونَ» در تمامی الفاظ به یک لفظ «یؤخذ» که درآیه دیگر «تنفعها» آمده است، مشترک هستند.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

۳ـ۱ـ۳. اشتراک در یک ماده مشترک «شفع»

آیه ۱۸ سوره «غافر» «وَأَنذِرهُم یَومَ الآزِفَةِ إِذِ القُلُوبُ لَدَی الحَنَاجِرِ کَاظِمِینَ مَا لِلظّالِمِینَ مِن حَمِیمٍ وَلَا شَفِیعٍ یُطَاعُ» با آیه ۱۰۰ و ۱۰۱ سوره «الشعراء» «فَمَا لَنَا مِن شَافِعِینَ وَلَا صَدِیقٍ حَمِیمٍ» در ماده «شفع» مشترک لفظی هستند.

همچنین آیه ۹۴ سوره «الانعام» «وَلَقَد جِئتُمُونَا فُرَادَی کَمَا خَلَقنَاکُم أَوّلَ مَرّةٍ وَتَرَکتُم مَا خَوّلنَاکُم وَرَاءَ ظُهُورِکُم وَمَا نَرَی مَعَکُم شُفَعَاءَکُمُ الّذِینَ زَعَمتُم أَنّهُم فِیکُم شُرَکَاءُ لَقَد تَقَطّعَ بَینَکُم وَضَلّ عَنکُم مَا کُنتُم تَزعُمُونَ» و آیه ۱۰۰ سوره «الشعراء»، «فَمَا لَنَا مِن شَافِعِینَ» نیز در ماده «شفع» مشترک لفظی هستند.

۳ـ۱ـ۳ـ۱. اشتراک در یک ماده مشترک «قطع»

آیه ۹۴ سوره «الانعام» «وَلَقَد جِئتُمُونَا فُرَادَی کَمَا خَلَقنَاکُم أَوّلَ مَرّةٍ وَتَرَکتُم مَا خَوّلنَاکُم وَرَاءَ ظُهُورِکُم وَمَا نَرَی مَعَکُم شُفَعَاءَکُمُ الّذِینَ زَعَمتُم أَنّهُم فِیکُم شُرَکَاءُ لَقَد تَقَطّعَ بَینَکُم وَضَلّ عَنکُم مَا کُنتُم تَزعُمُونَ» و آیه ۱۶۶ سوره «البقره» «إِذ تَبَرّأَ الّذِینَ اتُّبِعُوا مِنَ الّذِینَ اتّبَعُوا وَرَأَوُا العَذَابَ وَتَقَطّعَت بِهِمُ الأَسبَابُ» در ماده «قطع» مشترک لفظی هستند.

۳ـ۱ـ٤. اشتراک سه آیه در لفظ «شفاعه»

آیه ۴۸ سوره «البقره» «وَاتّقُوا یَومًا لَا تَجزِی نَفسٌ عَن نَفسٍ شَیئًا وَلَا یُقبَلُ مِنهَا شَفَاعَةٌ وَلَا یُؤخَذُ مِنهَا عَدلٌ وَلَا هُم یُنصَرُونَ» با آیات ۲۵۴ و ۱۲۳ سوره «البقره» «یَا أَیُّهَا الّذِینَ آمَنُوا أَنفِقُوا مِمّا رَزَقنَاکُم مِن قَبلِ أَن یَأتِیَ یَومٌ لَا بَیعٌ فِیهِ وَلَا خُلّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالکَافِرُونَ هُمُ الظّالِمُونَ»؛ «وَاتّقُوا یَوماً لاّ تَجزِی نَفسٌ عَن نّفسٍ شَیئاً وَلاَ یُقبَلُ مِنهَا عَدلٌ وَلاَ تَنفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلاَ هُم یُنصَرُونَ»، هر سه آیه در واژه «شفاعه» اشتراک لفظی دارند.

۳ـ۲. نظایر معنوی

۳ـ۲ـ۱. یکسان بودن مفهوم

آیه ۲۵۴ سوره «البقره» «یَا أَیُّهَا الّذِینَ آمَنُوا أَنفِقُوا مِمّا رَزَقنَاکُم مِن قَبلِ أَن یَأتِیَ یَومٌ لَا

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

بَيعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ» و آیه ۱۸سوره «غافر» «وَأَنذِرهُم يَومَ الآزِفَةِ إِذِ القُلُوبُ لَدَى الحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِن حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ»، نظیر معنوی از نوع یکسان بودن مفهوم است، زیرا هر دو اشاره به نفی شفاعت و شفاعت‌گری و دوستی در قیامت دارد.

همچنین آیه ۱۶۶ سوره «البقره» «إِذ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتُّبِعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوُا العَذَابَ وَتَقَطَّعَت بِهِمُ الأَسبَابُ» و آیات ۲۵۴ سوره «البقره» «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقنَاكُم مِن قَبلِ أَن يَأتِيَ يَومٌ لَا بَيعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ» و ۱۸ سوره «غافر» «وَأَنذِرهُم يَومَ الآزِفَةِ إِذِ القُلُوبُ لَدَى الحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِن حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ»، نیز نظیر معنوی از نوع یکسان بودن مفهوم می‌باشند که هر سه به گسسته شدن پیوندها و پایدار نبودن دوستی‌ها اشاره نموده است.

آیات ۳۰ سوره «یونس» «هُنَالِكَ تَبلُو كُلُّ نَفسٍ مَا أَسلَفَت وَرُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَولَاهُمُ الحَقِّ وَضَلَّ عَنهُم مَا كَانُوا يَفتَرُونَ» و ۹۴ سوره «الانعام» «وَلَقَد جِئتُمُونَا فُرَادَى كَمَا خَلَقنَاكُم أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكتُم مَا خَوَّلنَاكُم وَرَاءَ ظُهُورِكُم وَمَا نَرَى مَعَكُم شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمتُم أَنَّهُم فِيكُم شُرَكَاءُ لَقَد تَقَطَّعَ بَينَكُم وَضَلَّ عَنكُم مَا كُنتُم تَزعُمُونَ» و ۳۳ سوره غافر «يَومَ تُوَلُّونَ مُدبِرِينَ مَا لَكُم مِنَ اللَّهِ مِن عَاصِمٍ و مَن يُضلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ»، هم دارای نظیر معنوی از نوع یکسان بودن مفهوم است و بیانگر این مطلب است که در آن روز انسان تمامی وابستگی‌ها و اسباب و وسیله‌ها را پشت سر گذاشته و به سوی مولای حقیقی خود باز می‌گردد و هیچ حمایت‌گری جز او ندارد.

۳ـ۲ـ۲. یکسان بودن مصداق

آیه ۱۸ سوره «غافر» «وَأَنذِرهُم يَومَ الآزِفَةِ إِذِ القُلُوبُ لَدَى الحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِن حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ» و آیات ۱۰۰ و ۱۰۱سوره «الشعراء» «فَمَا لَنَا مِن شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ» هر سه این آیات به کفاری اشاره دارد که در دوزخ قرار دارند و هیچ دوستی و پیوندی برایشان وجود ندارد.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

۳ـ۳. آیاتی که شفاعت را از آن خدا می‌داند:

«وَأَنذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحشَرُوا إِلَى رَبِّهِم لَيسَ لَهُم مِن دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُم يَتَّقُونَ» (الانعام، ۵۱)

و به وسیله این [قرآن] کسانی را که بیم دارند که به سوی پروردگارشان محشور شوند هشدار ده [چرا] که غیر او برای آنها یار و شفیعی نیست، باشد که پروا کنند.

«وَإِنَّ عَلَيكُم لَحَافِظِينَ» (الانفطار، ۱۰)

و قطعاً بر شما نگهبانانی [گماشته شده]اند

«قُل لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلكُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرضِ ثُمَّ إِلَيهِ تُرجَعُونَ» (الزمر، ۴۴)

بگو: «شفاعت، یکسره از آن خداست. فرمانروایی آسمانها و زمین خاص اوست؛ سپس به سوی او باز گردانیده می‌شوید.»

«وَيَعبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُم وَلَا يَنفَعُهُم وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِندَ اللَّهِ قُل أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الأَرضِ سُبحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشرِكُونَ» (یونس، ۱۸)

و به جای خدا، چیزهایی را می‌پرستند که نه به آنان زیان می‌رساند و نه به آنان سود می‌دهد. و می‌گویند: «اینها نزد خدا شفاعتگران ما هستند.» بگو: «آیا خدا را به چیزی که در آسمانها و در زمین نمی‌داند، آگاه می‌گردانید؟» او پاک و برتر است از آنچه [با وی] شریک می‌سازند.

«اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرضَ وَمَا بَينَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ استَوَى عَلَى العَرشِ مَا لَكُم مِن دُونِهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ» (السجده، ۴)

خدا کسی است که آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است، در شش هنگام آفرید، آنگاه بر عرش [قدرت] استیلا یافت، برای شما غیر از او سرپرست و شفاعتگری نیست؛ آیا باز هم پند نمی‌گیرید؟

آیاتی هم که فقط شفیع و شفاعت کننده را تنها خدا معرفی می‌کند: «ما لَكُم مِن دُونِهِ مِن وَلِيٍّ وَ لا شَفِيعٍ» (السجده، ۴) یا در جایی دیگر که می‌فرماید: «قُل لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعاً لَهُ

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

مُلکُ السَّماواتِ وَ الأَرضِ ثُمَّ إِلَیهِ تُرجَعُون» (الزمر، ۴۴)، هدف اصلی این آیات، بیان‌کننـده مقام اصلی و حقیقت شفاعت است که این گونه طرح می‌شود و اختیاردار اصلی و شـفاعت کننده واقعی را خدا می‌داند و نیز بیان می‌دارد بقیه هم اگر می‌توانند شفاعتی بکنند، همه بـه اذن خدا صورت می‌گیرد.

بر این اساس تفـــکر مخالفان شفاعت از جمله وهابیون، مبنی بر شـــرک دانستن اعتقاد به شفاعت نیز رفع می‌شود، چرا که دانسته شد که شفاعت سبب مستقل نیست و شفیع بایـد مأذون از طرف خداوند باشد. قرآن کریم نیز به روشنی ما را به تحصیل وسیله بـه پیـشگاه خداوند دعوت می‌نماید و آن را عامل رستگاری مؤمنان معرفی می‌کند و مـی‌فرمایـد: «**یـا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابتَغُوا إِلَیهِ الوَسِیلَةَ وَ جاهِدُوا فِی سَبِیلِهِ لَعَلَّکُم تُفلِحُون**» (المائده، ۳۵/۵). در این آیه طبق نظـر علامـه، وسـیله، مطلـق هـر چیـزی اسـت کـه بنـده را بـا پروردگارش مرتبط می‌سازد و همانطور که در بحث شفاعت گفته شد، متوسل شدن به ائمه و تأثیر شفاعت آنها که به اذن الهی انجام می‌شود، یکی از موارد راه های ارتبـاطی بنـدگان گنهکار با خدای متعال می‌باشد.

بررسی نظایرآیات در موضوع شفاعت از تفسیر المیزان

نظایر لفظی	اشتراک دو آیه درپنج لفظ «مـن» «دونـه» «ولی» «ولا» «شفیع»	۵۱ الانعام	۴السجده
نظایر لفظی	اشتراک در یک ماده مشترک «شفع»	۵۱ الانعام	۴۴ الزمر
نظایر معنوی	یکسان بودن مصداق	۵۱ الانعام	۴۴ الزمر
نظایر معنوی	یکسان بودن مفهوم	۵۱ الانعام	۴ السجده
نظایر لفظی	اشتراک در یک ماده مشترک «دون»	۱۸ یونس	۵۱ الانعام و۴ السجده

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

۳ـ۳ـ۱. نظایر لفظی

۳ـ۳ـ۲. اشتراک دو آیه درپنج لفظ «من» «دونه» «ولی» «ولا» «شفیع»

آیه ۵۱ سوره الانعام «وَأَنذِرِ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحشَرُوا إِلَى رَبِّهِم لَيسَ لَهُم مِن دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُم يَتَّقُونَ» و ۴ سوره السجده «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرضَ وَمَا بَينَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ استَوَى عَلَى العَرشِ مَا لَكُم مِن دُونِهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ» درپنج لفظ «من» «دونه» «ولی» «ولا» «شفیع»، اشتراک لفظی دارند.

۳ـ۳ـ۳. اشتراک در یک ماده مشترک «شفع»

آیه ۵۱ سوره الانعام «وَأَنذِرِ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحشَرُوا إِلَى رَبِّهِم لَيسَ لَهُم مِن دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُم يَتَّقُونَ» و ۴۴ سوره «الزمر» «قُل لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلكُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرضِ ثُمَّ إِلَيهِ تُرجَعُونَ» در ماده «شفع» اشتراک لفظی دارند.

۳ـ۳ـ۱. اشتراک در یک ماده مشترک «دون»

آیه ۱۸سوره «یونس» «وَيَعبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُم وَلَا يَنفَعُهُم وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِندَ اللَّهِ قُل أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الأَرضِ سُبحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشرِكُونَ» و آیات ۵۱ الانعام «وَأَنذِرِ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحشَرُوا إِلَى رَبِّهِم لَيسَ لَهُم مِن دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُم يَتَّقُونَ» و ۴ سوره السجده «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرضَ وَمَا بَينَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ استَوَى عَلَى العَرشِ مَا لَكُم مِن دُونِهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ»، در ماده «دون» اشتراک لفظی دارند.

۳ـ٤. نظایر معنوی

۳ـ٤ـ۱. یکسان بودن مفهوم

آیه ۵۱ سوره الانعام «وَأَنذِرِ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحشَرُوا إِلَى رَبِّهِم لَيسَ لَهُم مِن دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُم يَتَّقُونَ» و آیه ۴ سوره السجده «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرضَ وَمَا بَينَهُمَا فِي

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

سِتّةِ أَيّامٍ ثُمّ استوَى عَلَى العَرشِ مَا لَكُم مِن دُونِهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكّرُونَ»، نظیر معنوی از نوع یکسان بودن مفهوم می‌باشند، در هر دو آیه اشاره به این مطلب دارد که در آن روز جز خداوند بزرگ هیچ سرپرست و شفاعت کننده‌ای برای آنان وجود ندارد.

۳ـ٤ـ۲. یکسان بودن مصداق

آیه ۵۱ سوره الانعام «وَأَنذِر بِهِ الّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحشَرُوا إِلَى رَبّهِم لَيسَ لَهُم مِن دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلّهُم يَتّقُونَ» و ۴۴ سوره «الزمر» «قُل لِلّهِ الشّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلكُ السّمَاوَاتِ وَالأَرضِ ثُمّ إِلَيهِ تُرجَعُونَ» هر دو آیه از نظر معنوی، در یکسان بودن مصداق نظیر یکدیگر هستند و امر به رسول‌الله است تا مشرکین را انذار کند.

۳ـ۵. آیاتی که شفاعت را مشروط به اذن خدا می‌داند

«اللّهُ لَا إِلَهَ إِلّا هُوَ الحَيّ القَيّومُ لَا تَأخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَومٌ لَهُ مَا فِي السّمَاوَاتِ وَمَا فِي الأَرضِ مَن ذَا الّذِي يَشفَعُ عِندَهُ إِلّا بِإِذنِهِ يَعلَمُ مَا بَينَ أَيدِيهِم وَمَا خَلفَهُم وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيءٍ مِن عِلمِهِ إِلّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرسِيُّهُ السّمَاوَاتِ وَالأَرضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفظُهُمَا وَهُوَ العَلِيُّ العَظِيمُ» (البقره، ۲۵۵).

خداست که معبودی جز او نیست؛ زنده و برپادارنده است؛ نه خوابی سبک او را فرو می گیرد و نه خوابی گران؛ آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آنِ اوست. کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟ آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سرشان است می‌داند. و به چیزی از علم او، جز به آنچه بخواهد، احاطه نمی‌یابند. کرسی او آسمانها و زمین را در بر گرفته، و نگهداری آنها بر او دشوار نیست، و اوست والای بزرگ.

«إِنّ رَبّكُمُ اللّهُ الّذِي خَلَقَ السّمَاوَاتِ وَالأَرضَ فِي سِتّةِ أَيّامٍ ثُمّ استوَى عَلَى العَرشِ يُدَبّرُ الأَمرَ مَا مِن شَفِيعٍ إِلّا مِن بَعدِ إِذنِهِ ذَ لِكُمُ اللّهُ رَبّكُم فَاعبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكّرُونَ» (یونس، ۳)

پروردگار شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید. سپس بر عرش استیلا یافت. کار [آفرینش] را تدبیر می‌کند. شفاعتگری جز پس از اذن او نیست. این است خدا، پروردگار شما، پس او را بپرستید. آیا پند نمی‌گیرید؟

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

«يَعلَمُ مَا بَينَ أَيدِيهِم وَمَا خَلفَهُم وَلَا يَشفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارتَضَى وَ هُم مِن خَشيَتِهِ مُشفِقُونَ» (الانبياء، ۲۸)

آنچه فراروی آنان و آنچه پشت سرشان است می داند، و جز برای کسی که [خدا] رضایت دهد، شفاعت نمی‌کنند و خود از بیم او هراسانند.

«وَلَا يَملِكُ الَّذِينَ يَدعُونَ مِن دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَن شَهِدَ بِالحَقِّ وَهُم يَعلَمُونَ» (الزخرف، ۸۶)

و کسانی که به جای او می خوانند [و می پرستند] اختیار شفاعت ندارند، مگر آن کسانی که آگاهانه به حق گواهی داده باشند.

«لَا يَملِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِندَ الرَّحمَنِ عَهدًا» (مریم،۸۷)

[آنان] اختیار شفاعت را ندارند، جز آن کس که از جانب [خدای] رحمان پیمانی گرفته است.

«يَعلَمُ مَا بَينَ أَيدِيهِم وَمَا خَلفَهُم وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلمًا» (طه، ۱۱۰)

آنچه را که آنان در پیش دارند و آنچه را که پشت سر گذاشته‌اند می داند، و حال آنکه ایشان بدان دانشی ندارند.

«وَلَا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ عِندَهُ إِلَّا لِمَن أَذِنَ لَهُ حَتَّى إِذَا فُزِّعَ عَن قُلُوبِهِم قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُم قَالُوا الحَقَّ وَهُوَ العَلِيُّ الكَبِيرُ» (سبا، ۲۳)

و شفاعت‌گری در پیشگاه او سود نمی بخشد، مگر برای آن کس که به وی اجازه دهد. تا چون هراس از دلهایشان برطرف شود، می‌گویند: «پروردگارتان چه فرمود؟» می‌گویند: «حقیقت؛ و هموست بلندمرتبه و بزرگ.»

«وَكَم مِن مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغنِي شَفَاعَتُهُم شَيئًا إِلَّا مِن بَعدِ أَن يَأذَنَ اللَّهُ لِمَن يَشَاءُ وَيَرضَى» (النجم، ۲۶)

و بسا فرشتگانی که در آسمانهایند [و] شفاعتشان به کاری نیاید، مگر پس از آنکه خدا به هر که خواهد و خشنود باشد اذن دهد.

شفاعت به اذن خدا انجام‌پذیر است

زمخشری در تفسیر الکشاف می‌گوید: آیاتی که شفاعت در قیامت را با اذن الهی اثبات

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

می‌نماید، شفاعت را به طور مشروط ثابت می‌کنند؛ نظیر آیه ۲۶ سوره النجم که می‌فرماید: «وَكَم مِن مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغنِي شَفَاعَتُهُم شَيئًا إِلَّا مِن بَعدِ أَن يَأذَنَ اللَّهُ لِمَن يَشَاءُ وَ يَرضَى...» شفاعتشان هیچ سود ندهد، مگر از آن پس که خدا برای هر که خواهد رخصت دهد و خشنود باشد.

وقتی این آیه را در کنار آیاتی که شفاعت در قیامت را با اذن الهی اثبات می نماید قرار دهیم، نتیجه آن چنین می‌شود که خدا پس از آن که اجازه شفاعت داد، آن را می‌پذیرد. البته لازم نیست که خداوند برای هر کدام از پیامبران خود و به نام یکایک افرادی که شفاعت درباره آنان را می‌پسندد اجازه ویژه‌ای صادر کند، بلکه همین اندازه کافی است که پیامبر اکرم (ص) بداند که شفاعت جایز است و نه حرام. البته، در صورتی که شفاعت شونده از اهل کفر و الحاد به خدا نباشد و نه از برافروزندگان آتش جنگ ها و از کسانی که خون های بی گناهان را می‌ریزند و نه از آنان که به بندگان خدا ستم می‌کنند و ثروت و روزی آنها را به یغما می‌برند، بلکه شفاعت تنها در مورد کسانی صادق است که گناهان عادی و متداول را مرتکب می‌شوند؛ به بیانی دیگر مقصود از این که خدا اجازه شفاعت داده، آن است که به پیامبرش وحی کند من به تو اجازه دادم که می‌توانی برای هر کدام از افراد امت خودت که بخواهی و او نوع خاصی از گناهان را مرتکب شده باشد، شفاعت کنی. در این صورت، کار این گروه در دست پیامبر اکرم (ص) است، و این کمترین چیزی است که در فردای قیامت خداوند به حضرت محمد (ص) عطا می‌کند و او هم به نوبه خود برای هر کس که شایستگی شفاعت را داشته باشد شفیع خواهد شد. (زمخشری، ۹۶/۵).

لذا با توجه به این سه دسته از آیات که بررسی شد می توان این گونه نتیجه گرفت که شفاعت در حشر از ضابطه و قانون کلی برخوردار است. به این معنا که در آن‌جا شفاعت استقلالی نبوده، بلکه به اذن و اجازه خداوند متعال است؛ یعنی اصل در شفاعت این است که فقط از آنِ خداوند باشد، اما در مواردی لطف خداوند موجب می‌گردد تا دیگران، مانند پیامبران و اولیای الهی نیز با اذن خدا شفاعت نمایند. و این اسلوب کلام، به ما می فهماند که به جز

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

خدای تعالی، هیچ موجودی به طور مستقل مالک هیچ یک از کمالات نام برده نیست و اگر موجودی مالک کمالی باشد، خدا به او تملیک کرده است. بنابراین این آیات یا شفاعت را مختص به خدا می‌کند یا آن را عمومیت می‌دهد و برای غیر خدا نیز اثبات می‌کند، اما با این شرط که خدا به او اذن داده باشد و به شفاعتش راضی باشد. (طباطبائی، ۲۳۸/۱)

بررسی نظایر آیات در موضوع شفاعت از تفسیر المیزان

نظایر لفظی	اشتراک در سه لفظ «الشفاعه» و «الاّ» و «من»	۸۶ الزخرف	۸۷مریم و ۳۳ سبا
نظایر لفظی	اشتراک در دو لفظ «الاّ» و «اذنه»	۲۵۵ البقره	۳ یونس
نظایر لفظی	اشتراک در یک لفظ، «الاّ»	۲۵۵ البقره	۳ یونس و ۲۶ النجم
نظایر لفظی	اشتراک در دو ماده مشترک «شفع» و «اذن»	۲۵۵ البقره	۳ یونس و ۲۶ النجم و۲۳ سبا
نظایر لفظی	اشتراک در ماده «رضی»	۲۸ الانبیاء	۲۶ النجم
نظایر لفظی	اشتراک در یک عبارت یک «علَمُ مَا بَینَ أیدِیهِم وَمَا خَلفَهُم»	۱۱۰ طه	۲۸ الانبیاء و ۲۵۵ البقره
نظایر معنوی	یکسان بودن مفهوم	۲۸ الانبیاء	۲۶ النجم
نظایر معنوی	یکسان بودن مفهوم	۱۱۰و۱۰۹ طه	۲۸ الانبیاء و ۲۵۵ البقره

۳ـ۵ـ۱. نظایر لفظی

۳ـ۵ـ۲. اشتراک در سه لفظ «الشفاعه» و «الاّ» و «من»

آیات ۸۶ سوره «الزخرف» «**وَلَا یَملِکُ الّذِینَ یَدعُونَ مِن دُونِهِ الشّفَاعَةَ إِلّا مَن شَهِدَ بِالحَقّ وَهُم یَعلَمُونَ**» و ۸۷ سوره «مریم» «**لَا یَملِکُونَ الشّفَاعَةَ إِلّا مَنِ اتّخَذَ عِندَ الرّحمَنِ عَهدًا**» و۳۳ «سبا» «**وَلَا تَنفَعُ الشّفَاعَةُ عِندَهُ إِلّا لِمَن أَذِنَ لَهُ حَتّی إِذَا فُزّعَ عَن قُلُوبِهِم قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّکُم قَالُوا الحَقّ وَهُوَ العَلِیُّ الکَبِیرُ**»، در سه لفظ «الشفاعه» و «الاّ» و «من»، مشترک لفظی هستند.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

۳ـ۵ـ۳. اشتراک در دو لفظ «الاّ» و «اذنه»

آیه ۲۵۵ سوره «البقره» «اللّهُ لَا إِلَهَ إِلّا هُوَ الحَیُّ القَیُّومُ لَا تَأخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَومٌ لَهُ مَا فِی السِّمَاوَاتِ وَمَا فِی الأَرضِ مَن ذَا الّذِی یَشفَعُ عِندَهُ إِلّا بِإِذنِهِ یَعلَمُ مَا بَینَ أَیدِیهِم وَمَا خَلفَهُم وَلَا یُحِیطُونَ بِشَیءٍ مِن عِلمِهِ إِلّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ کُرسِیُّهُ السِّمَاوَاتِ وَالأَرضَ وَلَا یَئُودُهُ حِفظُهُمَا وَهُوَ العَلِیُّ العَظِیمُ» و۳ سوره «یونس» «إِنّ رَبَّکُمُ اللّهُ الّذِی خَلَقَ السِّمَاوَاتِ وَالأَرضَ فِی سِتّةِ أَیّامٍ ثُمّ استَوَی عَلَی العَرشِ یُدَبّرُ الأَمرَ مَا مِن شَفِیعٍ إِلّا مِن بَعدِ إِذنِهِ ذَلِکُمُ اللّهُ رَبُّکُم فَاعبُدُوهُ أَفَلَا تَذَکّرُونَ»، در لفظ «الاّ» و «اذنه» اشتراک لفظی دارند.

۳ـ۵ـ۴. اشتراک در یک لفظ، «الاّ»

آیات ۲۵۵ سوره «البقره» «اللّهُ لَا إِلَهَ إِلّا هُوَ الحَیُّ القَیُّومُ لَا تَأخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَومٌ لَهُ مَا فِی السِّمَاوَاتِ وَمَا فِی الأَرضِ مَن ذَا الّذِی یَشفَعُ عِندَهُ إِلّا بِإِذنِهِ یَعلَمُ مَا بَینَ أَیدِیهِم وَمَا خَلفَهُم وَلَا یُحِیطُونَ بِشَیءٍ مِن عِلمِهِ إِلّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ کُرسِیُّهُ السِّمَاوَاتِ وَالأَرضَ وَلَا یَئُودُهُ حِفظُهُمَا وَهُوَ العَلِیُّ العَظِیمُ» و ۳ «یونس» «إِنّ رَبَّکُمُ اللّهُ الّذِی خَلَقَ السِّمَاوَاتِ وَالأَرضَ فِی سِتّةِ أَیّامٍ ثُمّ استَوَی عَلَی العَرشِ یُدَبّرُ الأَمرَ مَا مِن شَفِیعٍ إِلّا مِن بَعدِ إِذنِهِ ذَ لِکُمُ اللّهُ رَبُّکُم فَاعبُدُوهُ أَفَلَا تَذَکّرُونَ» و ۲۶ سوره «النجم» «وَکَم مِن مَلَکٍ فِی السِّمَاوَاتِ لَا تُغنِی شَفَاعَتُهُم شَیئًا إِلّا مِن بَعدِ أَن یَأذَنَ اللّهُ لِمَن یَشَاءُ وَیَرضَی»، هر سه در لفظ «الاّ» اشتراک لفظی دارند.

۳ـ۵ـ۵. اشتراک در ماده «رضی»

آیه ۲۸سوره «الانبیاء» «یَعلَمُ مَا بَینَ أَیدِیهِم وَمَا خَلفَهُم وَلَا یَشفَعُونَ إِلّا لِمَنِ ارتَضَی وَهُم مِن خَشیَتِهِ مُشفِقُونَ» و ۲۶ سوره «النجم» «وَکَم مِن مَلَکٍ فِی السِّمَاوَاتِ لَا تُغنِی شَفَاعَتُهُم شَیئًا إِلّا مِن بَعدِ أَن یَأذَنَ اللّهُ لِمَن یَشَاءُ وَیَرضَی»، در ماده «رضی» اشتراک لفظی دارند.

۳ـ۶. نظایر معنوی

۳ـ۶ـ۱. یکسان بودن مصداق و مفهوم

آیه ۲۸ سوره «الانبیاء» «یَعلَمُ مَا بَینَ أَیدِیهِم وَمَا خَلفَهُم وَلَا یَشفَعُونَ إِلّا لِمَنِ ارتَضَی وَهُم

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

مِن خَشيَتِهِ مُشفِقُونَ» و ۲۶ سوره «النجم» «وَكَم مِن مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغنِي شَفَاعَتُهُم شَيئًا إِلَّا مِن بَعدِ أَن يَأذَنَ اللَّهُ لِمَن يَشَاءُ وَيَرضَى»، نظیر معنوی یکدیگر، از نوع یکسان بودن مفهوم می‌باشد. هر دو آیه اشاره به شفاعت ملائکه دارد، بنابراین در مصداق، نظیر معنوی یکدیگرند. نکته دیگر این که در هر دو آیه اشاره به این مطلب شده است که شفاعت ملائکه مشروط به اذن و رضایت پروردگار است.

۳ـ۶ـ۲. یکسان بودن مفهوم

آیات ۱۰۹ و ۱۱۰ سوره «طه» «يَومَئِذٍ لَا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَن أَذِنَ لَهُ الرَّحمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَولًا» «يَعلَمُ مَا بَينَ أَيدِيهِم وَمَا خَلفَهُم وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلمًا» با آیه سوره ۲۸ «الانبیاء» «يَعلَمُ مَا بَينَ أَيدِيهِم وَمَا خَلفَهُم وَلَا يَشفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارتَضَى وَهُم مِن خَشيَتِهِ مُشفِقُونَ» و آیه ۲۵۵ سوره «البقره» «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الحَيُّ القَيُّومُ لَا تَأخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَومٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الأَرضِ مَن ذَا الَّذِي يَشفَعُ عِندَهُ إِلَّا بِإِذنِهِ يَعلَمُ مَا بَينَ أَيدِيهِم وَمَا خَلفَهُم وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيءٍ مِن عِلمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفظُهُمَا وَهُوَ العَلِيُّ العَظِيمُ» هر سه آیه نظیر معنایی یکدیگر و از نوع یکسان بودن مفهوم هستند. و هر سه آیه اشاره دارد به این مطلب که سلطنت مطلقه از آن خداست و همه اسباب و عوامل و تاثیرگذاری آن‌ها، فقط به دست توانای اوست.

٤ـ نظرات بعضی از علمای اسلامی

متکلمان و مفسران اسلامی، اصل شفاعت را یکی از اصول اعتقادی مسلم دینی شمرده‌اند که مورد پذیرش همه مذاهب و فرقه‌های اسلامی است. آنچه مورد اختلاف بین مذاهب اسلامی است، کیفیت شفاعت و مسائلی مانند این که آیا شفاعت برای رفع عقاب است یا ترفیع درجه یا هر دو؟ یا این که کسی که مرتکب گناه کبیره می‌شود آیا مشمول شفاعت می‌شود یا نه؟ این‌که شفاعت کنندگان چه کسانی هستند و سئوالاتی از این قبیل. (هماهنگی شفاعت با توحید در مقارنه دیدگاه علامه طباطبایی و رشیدرضا، ۱۵۰)

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

علّامه طباطبائی آیات مربوط به شفاعت را مصداق شیوه بیانی دیگری از قرآن معرفی کرده است. ایشان درباره این شیوه بیانی می‌فرماید: «این شیوه‌ای رایج در قرآن است که در آیاتی یک کمال را از غیر خداوند نفی می‌کند و در آیاتی دیگر آن کمال را برای خداوند اثبات می‌نماید و در آیه یا آیات سومی، کمال مورد نظر را به اذن الهی برای دیگران نیز اثبات می‌کند. در واقع خداوند با این شیوه بر این نکته تأکید می‌کند که هر چه انسان دارد از آن خدا و به مشیت اوست، و هیچ انسانی هیچ کمالی را مستقل از خداوند و بدون اعطای او مالک نمی‌باشد.» وی در ادامه می‌افزاید: در آیات شفاعت نیز این اسلوب به کار رفته است. در آیاتی شفاعت به صورت مطلق از دیگران نفی شده، در آیاتی شفاعت مختص خداوند شمرده شده و در برخی دیگر، شفاعت غیر خدا به اذن الهی، ثابت گشته تا مشخص گردد که شفیع در عرض خداوند نیست و شفاعت مقامی است که خداوند به او اعطا کرده و هیچ‌گاه مستقل از خدا نخواهد بود. (طباطبائی، ۱۵۷/۱)

ایشان ذیل آیهٔ ۴۸ سوره مبارکهٔ بقره با آوردن آیات نافی شفاعت و آیاتی که شفاعت را اثبات می‌کنند، این‌گونه نتیجه می‌گیرد: گرچه بعضی از آیات، نافی شفاعت‌اند، اما با توجه به آیات اثبات کنندهٔ شفاعت، باید این مسئله را بپذیریم که آیات قرآن اصل موضوع شفاعت را بدون اشکال اثبات می‌کنند؛ منتها بعضی آیات، شفاعت را به عنوان اصالت مخصوص خداوند معرفی می‌کند و در مورد غیر خدا، با اجازه و رضایت خداوند اثبات نموده است. (همانجا، ۱۵۵ـ۱۵۷)

فخر رازی در خصوص مسئله شفاعت معتقد است که حقیقت بر اساس شفاعت جزء مسائل مسلم، قطعی و انکارناپذیر در بین مسلمین است و می‌گوید «اتفقت الامه علی اثبات هذه الشفاعه» فخر رازی ذیل آیهٔ ۴۸ سوره بقره شفاعت را امر مسلّم و متفق‌علیه مسلمانان دانسته است. البته اختلاف معتزله با دیگران را در تفسیر شفاعت بیان نموده است. (فخررازی،۵۵/۳ـ۵۹) او ضمن اثبات شفاعت، دیدگاه معتزله را در این زمینه نمی‌پذیرد و به دلایل آنان که شفاعت را به معنای ترفیع درجه می‌دانند پاسخ می‌دهد و معتقد است شفاعت پیامبر شامل صاحبان کبائر نیز می‌گردد و برای اثبات ادعای خود دلایل

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

مـــتعددی از آیات و روایات ارائه می‌کند. فخر رازی در مورد شفاعت امامان معصوم سکوت اختیار کرده است و در کتاب هایش تا آنجایی که ما بررسی کرد ه ایم سخنی از شفـــاعت امامان معصوم به مـــیان نیاورده است. (محـــمدی، نقل از پایان‌نامـــه «بررسی مسئله شفاعت از دیدگاه علامه طباطبایی و فخررازی» ۸). مرحوم طبرسی هم در ذیل آیهٔ ۴۸ بقره می‌فرماید: همه مسلمانان پذیرفته‌اند که شفاعت پیامبر در قیامت قبول می‌شود، گرچه در کیفیت آن میان معتزله و دیگران اختلاف است که آنها معتقدند شفاعت فقط دربارهٔ افراد مطیع است و ما (شیعه) معتقدیم که هدف شفاعت، نجات گنهکاران از عذاب است. سپس می‌گوید: نه تنها شفاعت پیامبر بلکه شفاعت یاران برگزیده و امامان معصوم و افراد با ایمان و صالح نیز قبول می‌گردد. (طبرسی ۲۲۳/۱). ابوالفتوح رازی در ذیل آیة ۴۸ سوره بقره می‌فرماید: این آیه مربوط به کافران و جهودان است. مسلمانان به جز معتزله، شفاعت را قبول دارند. بعد آیاتی که دلالت بر شفاعت در قیامت دارند متذکر شده است. (ابوالفتوح رازی، ۱۶۴/۱ـ۱۷۵). شیخ طوسی نیز، در ذیل آیه مذکور می‌گوید: این آیه مربوط به کافران است، زیرا پیامبر در حق مؤمنان شفاعت می‌کند که نتیجهٔ شفاعت آن حضرت، نجات گنهکاران از عذاب است. (شیخ طوسی۲۱۳/۱)

همچنین مفسران قرآن کریم، ذیل آیهٔ «**عسی ان یبعثک ربک مقاما محمودا**»، اتفاق‌نظر دارنـد که «مقام محمود» همان مقام شفاعت است. (ابن عطیـه، ۹۴؛ طوسـی، ۵۱۲/۶؛ طبرسـی، ۶۷۱/۶؛ ابن‌کثیر، ۹۴/۵). فتّال نیشابوری نیز، مقام محمود را به شفاعت پیامبر، تفسیر نموده است و روایتی از رسول اکرم نیز نقل می‌کند که فرمود: «المقام الذی أشفع فیه لأمتی» (نیشابوری، ۵۴۹).

بنابراین آیاتی که نافی شفاعت اند، ناظر به شفاعتی هستند که بدون اذن الهی باشد. لـذا شفاعت اصل مسلّمی است که شک و تردید درآن، شک در مسائل اسـلامی اسـت. حتـی وهابی‌ها که بسیاری از علماء، آنان را منکر شفاعت می‌دانند، شفاعت را بـه صـورت کلّـی نفی نمی‌کنند، بلکه شفاعت پیامبر در قیامت، به اذن خداوند را قبول دارند. (عـاملی، ۱۹۲). در میان مسلمانان فقط گروه معتزله و خوارج، در عین پذیرش اصل آن، در تفسیر شفاعت

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

با دیگران مخالفند؛ آنها نپنداشته‌اند که شفاعت شامل افراد مطیع و نیکوکار است، نه گناه‌کاران؛ یعنی نتیجهٔ شفاعت پیامبر، افزایش درجه و پاداش نیکوکار است، نه نجات گناه‌کار. (قاضی، ۴۶۳ـ۴۶۵).

نتایج مقاله

۱ـ تفسیر المیزان توانسته است با روش تفسیر قرآن به قرآن و نظیر قرار دادن آیات برای یکدیگر، تا حدود زیادی مبهمات برخی از آیات را تبیین نماید. همچنین ملاک و معیار یافتن آیات نظیر در تفسیر المیزان در وهله اول توجه و استناد به آیات همگونی است که الفاظ مشترکی دارند که شامل انواع مختلفی می‌باشند که این اشتراک گاهی در یک لفظ، گاهی دو و یا سه لفظ مشترک در دو آیه وجود دارد.

۲ـ بررسی انواع نظایر لفظی و معنوی آیات مربوط به شفاعت، به شناخت مصادیق و مفاهیم شفاعت کمک نموده و حقیقت شفاعت وچگونگی انجام گرفتن آن را روشن می‌سازد.

۳ـ با جستجو و یافتن آیات نظیر در موضوع شفاعت می‌توان به این نتیجه رسید که تنها با دیدن برخی از آیات مربوطه همانند آیه ۴۸ سوره البقره و بدون در نظر گرفتن آیاتی که با همان موضوع به روشنگری این آیه می‌پردازند، نمی‌توان به مفهوم شفاعت پی برد و مصادیق آن را شناخت.

۴ـ با بررسی آیات مربوط به شفاعت و شناخت گونه های لفظی و معنوی آن در می‌یابیم که چگونه آیات نظیر در موضوع شفاعت یکدیگر را تبیین نموده و به روشنگری شبهات در موضوع شفاعت پرداخته و از این طریق به افرادی که منکر شفاعت هستند و یا شفاعت را فقط مختص به خداوند دانسته‌اند، پاسخ می‌دهند.

۵ـ با بررسی نظرات دانشمندان و مفسران اسلامی می‌توان به این نتیجه رسید که همگی مسئله جواز شفاعت در قیامت را به صورت اصلی مسلم و پذیرفته شده می‌دانند و به این موضوع اذعان نموده‌اند و اگر اختلافی وجود دارد در مفاد و معنا و تفسیر شفاعت است نه در اصل وجود داشتن آن.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه مهدی فولادوند

۲. آلوسی بغدادی، محمودبن عبدالله، روح‌المعانی فی تفسیرالقرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

۳. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، آستان قدس، ۱۴۰۸ق.

۴. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، محقق: محمودمحمد طناحی، طاهراحمد زاوی، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش.

۵. ابن بابویه قمی، محمدبن علی، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.

۶. ابن عاشورا، محمدبن طاهر، التحریر و التنویر، بیروت، موسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.

۷. ابن عطیه، عبدالحق، المحررالوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت، دارصار، ۱۳۸۵ق.

۸. ابن فارس، ابوالحسین احمد، معجم مقاییس اللغه، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم، انتشارات مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق.

۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، انتشارات دار صادر، ۱۴۱۴ق.

۱۰. ایزدی مبارکه، مهدی، گفتارهایی در باب قرآن فقه فلسفه، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۹.

۱۱. همو، «تأملاتی در میزان کارایی روش تفسیر قرآن به قرآن، مجله مقالات و بررسی‌ها»، دفتر ۸۴، ص۳۱ــ۱۲، تابستان ۱۳۸۶ش.

۱۲. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، به کوشش علی اسلامی، قم، اسراء، ۱۳۷۹ش.

۱۳. همو، جامعه در قرآن، قم، اسراء، ۱۳۹۰ش.

۱۴. همو، شمس الوحی تبریزی، قم، اسوه، ۱۳۸۸ش.

۱۵. حسینی طهرانی، محمدحسین، مهرتابان، مشهد، انتشارات علامه طباطبایی، ۱۴۲۶ق.

۱۶. ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، بی‌جا، دارالکتب الحدیثه، ۱۳۹۶ ق.

۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت، انتشارات دارالقلم، ۱۴۱۲ق.

۱۸. رضائی اصفهانی، محمدعلی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، قم، اسوه، بی‌تا.

۱۹. همو، «تفسیر روشمند وحی با وحی»، مجله معرفت، سال یازدهم، شماره۹ (پیاپی ۶۰)، ۱۳۸۰ش.

۲۰. رشیدرضا، محمد، تفسیرالقرآن العظیم الشهیر بتفسیرالمنار، بیروت، انتشارات دارالمعرفه، ۱۴۱۴ق.

۲۱. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التاویل، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.

۲۲. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، الدرالمنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.

۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷ق.

۲۴. همو، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶ش.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

۲۵. طبرسی. احمدبن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج, تصحیح محمدباقر خرسان، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، تهران، انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۷. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیرالقرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۲۸. طریحی، فخرالدین، مجمع‌البحرین، تحقیق: احمد حسینی، تهران، انتشارات کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۲۹. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیرالقرآن، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، بی‌تا.
۳۰. عاملی، سید محسن امین، کشف الإرتیاب فی اتباع محمدبن عبدالوهاب، ترجمه: علی‌اکبر تهرانی، تهران، دارالکتب الإسلامی، بی‌تا.
۳۱. عبده، محمد، نهج‌البلاغه، قاهره، مطبعه الاستقامه، بی‌تا.
۳۲. علم الهدی، محمدباقر، شفاعت، تهران، انتشارات مرکز فرهنگی منیر، ۱۳۸۶ش.
۳۳. عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی و روش های تفسیر قرآن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۹ش.
۳۴. فخرالدین رازی، الاربعین فی اصول الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۹ق.
۳۵. فخررازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرایی، قم، هجرت، ۱۴۱۰ق.
۳۷. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۳۸. قاضی عبدالجبار، ابوالحسن، شرح الاصول الخمسه، قاهره، مکتبه وهبه، بی‌تا.
۳۹. قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ ش.
۴۰. محمدی، علی اکبر، پایان‌نامه «بررسی مسئله شفاعت از دیدگاه علامه طباطبایی و فخررازی»، دانشکده علوم انسانی، قم، ۱۳۹۷.
۴۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار، بیروت، انتشارات مؤسسه وفا، ۱۴۰۴ق.
۴۲. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، قم، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۷۷ش.
۴۳. مسعودزاده، محمدرضا و نوروزی، حسنعلی، «هماهنگی شفاعت با توحید در مقارنه دیدگاه علامه طباطبایی و رشیدرضا»، پژوهش‌های اعتقادی ـ کلامی، شماره۸، ۱۴۷ـ۱۶۹، زمستان ۱۳۹۱.
۴۴. مصلایی‌پور یزدی، عباس، «چگونگی یافتن نظایر آیات در روش تفسیر قرآن به قرآن، برگرفته از گفتارهایی در باب قرآن، فقه و فلسفه»، دکتر کامران ایزدی مبارکه.
۴۵. همو و دیمه کار، محسن، «تنوع و نوآوری در بیان داستان محاجه حضرت ابراهیم (ع) با آذر و قومش در قرآن کریم»، صحیفه مبین، شماره ۴۴ ، ۴۵ـ۶، زمستان و بهار ۸۷ـ۱۳۸۸.
۴۶. موسوی، رضا، «روش‌های نقد آراء دیگر مفسران در تفسیر المیزان»، مجله پژوهش سال سوم، شمارهٔ ۲، ۱۳۹۰ش.
۴۷. نیشابوری، محمد بن حسن فتّال، مهدوی دامغانی، محمود (مترجم)، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، تهران، نشر نی، ۱۳۶۶ش.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]
[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.12.24.2.6]
[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]